

صائب نشان داد ، اخیرالذکر چند شعر از آن انتخاب نمود ، و باقی دیوان را در آب انداخت . این قول را در تذکره حسینی می یابیم در آن جا افکندن اشعار در آب کار بالاراده غنی خوانده شده . این بحث در تدوین دیوان غنی به تفصیل آمده این جا کافی است بگوئیم که غنی در زمان حیات دیوان خودش را ترتیب نداد ، بنا بر آن این قیاس که دیوان غنی را با آب انداخت . در حق صائب یا غنی یا شخصی دیگری درست نه می آید . البته از عبارات تکملة الشعراء و تذکره حسینی می توان نتیجه گرفت که غنی شعرش را به صائب نشان داده .

با وجود این اختلافات شک نیست که صائب به کشمیر آمد و با غنی ملاقات نمود . غنی و صائب همیشه با هم می دیدند . واله داغستانی می نویسد « صحبت مرزا را در یافته (۱) » و شبلی با کلمه همدم علایق آن ها را بیان نموده (۲) . ذکر صحبت این دو نفر در تذکره های دیگر نیز آمده (۳) . به قول مؤلف ایران صغیر « مرزا صائب هنگام مسافرت به کشمیر با غنی ملاقات نمود بسیار تحت تأثیر او قرار گرفت » . و درین ملاقات محبت و احترام متقابل در دل های ایشان پیدا شد . اگر چه اکثر ایرانیان در مورد زبان بدبین هستند و به شعرای هند توجه ندارند اما صائب که خود پیشوای شاعری تمثیلی است ، گرویده استادان دیگر این فن بود و هنگام اقامت هندوستان تعریف این شاعر کم سن را می نمود گاهی در مقابل یک شعر بنا بر فیاضی شاعرانه تمام دیوانش را میداد . و گاهی مقابل غزل غنی می گفت ازین غزل یک شعر معروف است .

این جواب آن غزل صائب که میگوید غنی

یا دایا میکه دیگک جوش ما سر پوش داشت (۴)

روایت این غزل جوابی را اکثر تذکره نویسان آورده اند (۵)

۱ - ریاض الشعراء ۲ - شعر المعجم ج ۳ . ۳ - مثلاً خلاصه افکار .

۴ - اما در دیوان غنی نه این مصرع پیدامی شود نه این غزل .

۵ - شمع العجم و سر و آراد .

۱- رابطه جهان بینی و روشهای ابداعی :

ارزش جهان بینی و روش ابداعی :

جهان بینی عبارت از بینش اساسی انسان به جهان ما حول، محیط طبیعی و محیط بشری (محتوی سیاست، اقتصاد و فرهنگ) است؛ یعنی تلخیصیست از بینش فلسفی، سیاسی و فرهنگی و هنری و غیره. جهان بینی انسان، روش ویرا در زندگی معین میکند و همه کردار انسان را رهنمون میشود. ادراکات فکری همیشه رهنمای گفتار و کردار انسان است، مگر این ادراکات با جهان بینی او اکثر جدایی ناپذیر میباشند. در قسمت نویسنده نیز، جهان بینی او نه تنها طرز تفکر و روش ویرا در زندگی واقعی معین میکند، بعلاوه طرز تلقی هنری ویرا نیز متأثر میسازد و فعالیت های ابداعی نویسنده را بدست رهنبری می سپرد.

نویسنده حین منعکس ساختن زندگی، به نخستین سؤالی که بر میخورد اینست که، چه چیزی را ستایش کند و کدامیک را تقبیح. زیرا در زندگی وسیع و پرازهر گونه تضادها و تناقضات، نویسنده نمیتواند باین موضوع بی اعتنا باشد؛ و این بران میشود که نویسنده چه باید بنویسد و چگونه بنویسد و این خود روش نویسنده را در تمثیل و ارائه موضوع در آثار، تثبیت میکند: محبت یا نفرت؛ ستایش یا تقبیح؛ اثبات یا نفی؛ ترحم یارد. نویسنده ناگزیر است یکی از این موقف بیان را اتخاذ کند، یعنی نمیتواند در عین زمان که به چیزی محبت نشان میدهد، از آن تنفر داشته باشد، و یا همزمان به ستایش و تقبیح و اثبات و نفی بهر دو بپردازد، یعنی تناقض گویی کند. این خصوصیت شامل همه گونه نویسنده گان است، چه نویسندگان گذشته و کنونی و چه نویسندگان که موقف های فکری و اجتماعی متضادی را احراز کرده اند؛ همه اینگونه خصوصیتها تنها و تنها با جهان بینی نویسنده تثبیت میگردد. بطور مثال، بعد از رنسانس و احیای مجدد ادبیات و هنر در اروپا، عده ای از نویسندگان، جامعه قرون وسطی را تخیل میکردند و به وصف

جهان‌بینی و روش‌های ابداعی^(۱)

ترجمه و نگارش قیام‌الدین راعی

اگر نویسنده بخواهد که زندگی اجتماعی را به نهج درست انعکاس دهد و چهره‌های نمونه ایجاد نماید، باید تجارب مشبوع زندگی را حایز باشد و جهان‌بینی مترقی و منکشفی را رهنمای روش خود قرار دهد. بعلاوه در مراحل ابداع آثار، به تکنیک‌های هنری و روش‌های معین ابداعی تسلط کامل داشته باشد. بنا بر آن اگر خواسته باشیم که قواعد ابداعات ادبی را تحقیق و ارزیابی کنیم، نمیتوانیم به ارزش و تأثیر جهان‌بینی و روش‌های ابداعی و هم به رابطه میان این دو تماسی نگیریم. ادراک درست این موضوعات و تحقیق ایجاد مکتب‌های گوناگون ادبی و تطور آن در تاریخ ادبیات، گذشته از اینکه بماند کمک میکند تا تجارب تاریخی ابداعات ادبی را تلخیص کنیم و قواعد تکامل آن ابداعات را درک نماییم، بعلاوه مفید این امر است که مشخصه روش ابداعی را که مابین آن ضرورت داریم و از آن حمایت میکنیم، نیز وضاحت بخشیم.

۱- اصطلاح «روش ابداعی» همان مفهومی است که در ادب‌داری به «مکتب ادبی» تعبیر میشود. ریالیسم، رومانسیسم، سمبولیسم و غیره همه «روش‌های ابداعی» اند که مکتب ادبی آنقدر رساننده این مفهوم نیست. «مکتب‌های ادبی» تنها مبین این حقیقت است که گروهی از نویسندگان، شاعران و داستان‌نویسان یکنوع روش خاص را در ابداع آثار بکار می‌برند و پیروان یک مکتب اند، در حالیکه «روش ابداعی» یا «روش‌های ابداعی» اصطلاح رسا و رساننده و آریه‌دهنده یکسلسله قواعد معین است. با آنهم دو اصطلاح «روش ابداعی» و «مکتب ادبی» رایجی بجای دیگر میتوان بکار برد. استعمال «سبک ادبی» بجای دو اصطلاح فوق‌الذکر کاملاً نادرست است، زیرا اگر گروهی از نویسندگان که بیکی از روش‌های ابداعی تعلق بهم میرسانند امکان دارد هر کدام آنان سبک خاصی در روش بیان خود داشته باشند بنا بر آن «سبک ادبی» بیکی شخص مربوط میگردد.

و عدم وحدت نه تنها در بینش فلسفی، سیاسی، مذهبی، اخلاقی و زیباپسندی آنان مشهود می‌باشد، بلکه اکثر عوامل مترقی و منحط هردو بهم آمیخته است. امثلة اینگونه تناقض گویی‌ها و تشتت فکر و اندیشه را در آثار شاعران و نویسندگان باستانی و حتی کنونی خود به کثرت مشاهده می‌کنیم.

نویسنده چینی ارائه زندگی در خلال علایم و رموز هنری، اینکه چگونه باید زندگی را انعکاس دهد و علایم هنری را سامان بخشد، همیشه متکی بیک سلسله پرنیسیپ‌هاست. آیا ادبیات با صداقت تمام باید زندگی واقعی را انعکاس دهد و یانه؟ یا نویسنده با ترک واقعیت، راهی را که دنبال میکند، همانقدر زیبا و بی‌دغدغه باشد. بنابراین نویسنده‌ای که یکی از این تیوریهام معتقدست، طبق پرنیسیپ‌های آن با بداع آثار می‌پردازد. بعضی از نویسندگان زندگی را مطابق رنگ واقعی آن منعکس می‌سازند، وعده‌ای هم نظر به آیدیاها و آمال فردی خود. از آنجا که قواعد و پرنیسیپ‌ها اختلاف می‌یابد، روشن ساختن علایم و رموز ادبی و هنری نیز صبغه وحدت را می‌بازد، که ازین نگاه سبک آثار نیز طبیعتاً تباین واضحی را مشهود می‌گرداند. بطور مثال، زمانی که آثار عنصری و فرخی را مطالعه می‌کنیم، امکان دارد اختلاف‌های در سبک سخن هر یک مشاهده نماییم، تلفیق و انتخاب کلمات و جملات، صحنه‌سازیها، طرز بیان احساسات و عواطف هر کدام ممکن است به نهج خاصی باشد؛ با اینهمه روش ابداعی هر دو باز هم یک چیز است، یعنی بیان واقعیت‌های زندگی آنروز که کاملاً صبغه ریالیستیک دارد. سبک سخن و نحوه ارائه انگیزه‌های باطنی سنایی و مولوی یکدست نیست، چنانکه جدیت بیان در کلام مولوی بر ازنده و آشکار است، مگر سنایی هر چند از طریقت سخن می‌گوید، باز هم خوف شریعت در دلش جا دارد؛ علی‌الرغم اینها، روش ابداعی آنان باز هم یک رنگ و همان ایجاد ادب عرفانی و تصوفی است.

اینگونه قواعد اساسی، که مطابق بینش معین واقعیت‌ها را منعکس می‌سازد و ارائه میکند، هر گاه در آثار متداول گردد، روش ابداعی نامیده میشود.

وستایش قوانین کلیسا میپرداختند و حتی زندگی جامعه قرون وسطی را مانند جهان آیدیالی تمثیل می نمودند؛ عده دیگری از نویسندگان با همه نیرو، تاریکی ها و نابسامانی های جامعه گذشته را بر ملا میساختند و پشتیبان دیموکراسی و آزادی بودند.

جهان بینی تمام مراحل ابداعات نویسنده را رهبری میکند؛ از انتخاب مواد و شکل موضوع تا ساختن صحنه ها و ایجاد چهره ها، مستقیم و یا غیر مستقیم، تأثیر جهان بینی در آن ثابت و برآزنده است، مگر یگانه عامل تعیین کننده بشمار نمی آید.

جهان بینی نویسنده، عنصر غریزی و ذاتی نیست، بلکه در خلال عملیه های زندگی در مرور زمان، متشکل شده و متأثر از مقررات شرایط تاریخی جامعه معین میباشد. دوره های تاریخی گوناگون، از خصوصیت های اقتصادی تفاوت دارد، که ازین نگاه سطح تکامل تولید و تکامل فرهنگ و دانش نیز مشابه هم نیست، که بدین نهج جهان بینی انسانها نیز تباین بارزی را ارائه میکند.

یعنی در یک دوره معین تاریخی، به علت اختلاف موقف اجتماعی و تجارب زندگی، جهان بینی انسانها نیز بصورت کلی و حتی از اساس مابینت می یابد. بنابراین وقتی بخواهیم جهان بینی یعنی طرز تفکر کلی نویسنده ای را تحلیل نماییم، ناگزیر باید روابط دوره های تاریخی و شرایط گوناگون اجتماعی و اقتصادی و غیره را که مؤثر بر بینش وی میباشد، در نظر داشته باشیم و نباید حد زمان و روابط اجتماعی را نادیده انگاریم.

بعلاوه جهان بینی نویسنده امر مطلق و تغییرناپذیر نیست، بلکه با تغییر عملیه های زندگی، تغییر می پذیرد. این تغییر امکان دارد کاملاً منکشف و مترقی بوقوع پیوندد و یا نقیض آن. اکثر نویسندگان ممتاز، تکامل فکری را مطابق جریان طبیعی آن پیموده اند، یعنی تغییر جهان بینی آنان همیشه وجه تکاملی داشته نه صبغه قهقرائی. تغییر و تکامل جهان بینی هر گونه نویسنده ای، نتیجه و ثمر تضادها و مبارزات فکریست، اگر این خصوصیت وجود نداشته باشد، ناممکن است که تغییر و تکاملی در جهان بینی نویسنده پدید آید. جهان بینی اکثر نویسندگان باستانی، مملو و مشبوع از تضادهای غامض و پیچیده است، این تشتت

در جریان تنور فکری اروپا، ریالیسم بوجود آمد؛ و در تحت مفکوره اکسپریمنتلیزم (مذهب اصالت تجربه)، که زاده علوم طبیعی بود، ناتورالیسم متشکل گردید. روشهای ابداعی که در ادبیات معاصر اروپا بوجود آمد، مانند فیوچریسم (فوتوریسم) سمبولیسم، امپرسیونیسم، سورریالیسم و حتی اکسپریشنیسم و مادرنیسم و انواع دیگر آن، همه حایز این خصوصیت است که از واقعیت فرار میکنند و به تبلیغ عدم تعقل و انزوا و بیعلاقگی از واقعیت ها میپردازند.

روشهای ابداعی بحیث قاعده انعکاس و ارائه زندگی، نمیتواند جدا از هر گونه طرز تفکر کورکورانه جریان یابد. نویسندگانی که نوعی از روشهای ابداعی را انتخاب میکنند و بکار میبرد، البته با تربیت هنری وی رابطه دارد، مگر بزرگترین عامل بازم هم همانا جهان بینی نویسنده است. عنصری و فردوسی هر دو در یک دوره میزیستند، و وجوه ریالیستیک سخن آنان کاملاً برآزنده است؛ مگر شاهنامه فردوسی در واقع کتابیست از تاریخ مبارزات ملی و مندمج از روحیه ملیت پرستی. در حالیکه هسته دیوان عنصری همانا مدایحی است که هر چند پسندیده است، مگر نه بر آن پایه ایست که از شاهنامه یاد میشود. علت آنرا تنها میتوان در زوایای جهان بینی فردوسی و عنصری سراغ کرد. این نشان میدهد، روشهای ابداعی که بدست نویسندگان حایز جهان بینی متباین میرسد، آثار ادبی ایجاد میشود، که چه از نظر گرایش فکری و چه از نگاه مفهوم کاملاً صبغه متفاوتی دارد.

خصوصیت دوره جهان بینی نویسنده در روش ابداعی که بکار میبرد، واضحاً منعکس میشود، و ازین نگاه مشخصه ای را که روش ابداعی حین استعمال واقعی آن ظاهر میسازد، نیز متأثر میگرداند.

بطور مثال ادبیات رومانتیکی که در اواخر قرن هژده و اوایل قرن نوزده در سراسر ممالک اروپائی منتشر شد و عمومیت یافت، اگر در المان، انگلستان و فرانسه بود و یا در ایتالیا، دونوع تمایل مختلف را بار آورد: یکی بسوی آینده، تقبیح وضع

تشکل روش ابداعی موضوع یکشب و یکروز نیست، بلکه در خلال تجارب متمادی عملیه های ادبی و تحقیقات و کنجکاویهای نخستگی ناپذیر هنرمندان متعدد، میراث ادبی و تربیت هنری نویسنده، از جهات گوناگون متأثر میگردد. یک نویسنده ممتاز، همیشه تجارب متنوع ابداعی نویسندگان پیشتر از خود را می پذیرد و آنرا نقطه آغاز روش خود قرار میدهد، و همزمان با آن مطابق بینش اجتماعی، سیاسی، زیبا پسندی و هنری خود، تجارب گذشته را نیز نقد میکند و اصلاح مینماید. هرگونه روش ابداعی مترقی، در خلال همینگونه توارث و تجدیدتشکل پذیرفته و تکامل کرده است، و زمانیکه این روش بوسیله نویسنده بکار برده شود، در انحصار جهان بینی و تجارب عملی وی قرار میگیرد، و از همین جاست که تغییرات مشابهی را نیز سبب میشود.

رابطه جهان بینی و روش ابداعی:

تأثیر جهان بینی در روش ابداعی قبلاً توضیح شد، در تاریخ ادبیات، روش ابداعی که بکلی از جهان بینی انتزاع یافته باشد، هرگز وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد.

تاریخ تکامل ادبیات نشان میدهد، که روش ابداعی معین همیشه تحت رهبری جهان بینی معینی تشکل یافته است. روش ابداعی کلاسیسم که در قرن هفده در فرانسه بوجود آمد، خود تحت تأثیر مفکوره ریشنلزم (مذهب تعقل) که در آنوقت در سراسر اروپا عمومیت داشت، تشکل پذیرفت و از نظر سیاسی کاملاً موافق آرزوهای قوانین سیاسی آنروز بود. از همین جاست که کلاسیسم «عقل» را محترم می شمارد و عواطف و الهامات را تحقیر مینماید و اطاعت مطلق فرد را از جامعه و مملکت تأکید میکند؛ حین ترسیم شخصیت چهره ها، به سادگی و وضاحت اهمیت میدهد و فردیت را نادیده می انگارد. از نظر ارائه هنری طرفدار ظرافت و زیبایی بیان، انسجام کلمات، روانی و وحدت است. بعلاوه همه اینها را میخواهد به محک وزن و قافیه بیازماید.

این عملیات، معرفت خود را بر زندگی تکامل بخشد و بدرجات خاصی به اصلاح نقیصه‌های فکری خود پردازد.

۳- استقلال نسبی روش ابداعی، ازین نیز درك میشود که نویسندگان حایز جهان بینی‌های مشابه و یا نسبتاً مشابه، میتوانند روشهای ابداعی متباینی را بکار ببرند، و بعلاوه در ابداعات خود نتایج متنوعی را بدست آرند. زیرا معرفت اساسی آنان در زندگی به نحو عمومی یکسان است، مگر حین منعکس ساختن زندگی، امکان دارد بدرجات متفاوت و با وسایل گوناگون بیان، بمنظور نایل آیند. چه بسا شاعران و نویسندگانی که بخش اعظم آثارشان ریالیستیک است و بعضی از آثار آنان صبیغه رومانتیکی هم دارد و هم چنین عکس موضوع. یعنی عنعنۀ آمیختن ریالیسم را با رومانتیسم تحقق بخشیده‌اند.

بطور کلی ارتباط جهان بینی بر روش ابداعی نسبتاً پیچیده است از یک طرف جهان بینی بر روش ابداعی تأثیر رهبری کننده دارد، از طرف دیگر روش ابداعی، خود استقلال نسبی را حایز است. بمنظور درك واقعی این مسأله لازمست تحلیل دقیقی از نویسندگان و آثار آنان بعمل آوریم، و هرگز نباید اینگونه ارتباط غامض را ساده پنداریم. درین موضوع، نظریۀ تعویض جهان بینی به روش ابداعی، اشتباه بزرگی در تحقیقات ادبیست، و هم چنین گذاشتن روش ابداعی بر فرق جهان بینی خطای جبران ناپذیر در «نظریات ادبی» محسوب میشود.

ریالیسم و رومانتیسم:

مختصری از تاریخ تکامل ریالیسم و رومانتیسم در تاریخ ادبیات:

در تاریخ ادبیات، انواع گوناگون «روشهای ابداعی» ایجاد شده، که مهمتر از همه همانا ریالیسم و رومانتیسم است. این دو روش در مراحل تکامل ادبیات آهسته آهسته متشکل شده و تکامل کرده است. در مراحل مختلف تاریخی بعلت تباین دوره‌ها و جهان بینی نویسنده، حالات و مشخصات متنوعی ارائه شده است، ادبیات از آغاز خود

حاضر و در جستجوی آید یالها و آرزوهای تحقق نیافته؛ و دیگری بسوی گذشته مصالحه با وضع حاضر و تبلیغ حس زوال پسندی، و اینان جهان کهن گذشته را هدف تفحص و تحقیق خود قرار میدهند. و این اساسیست که اکثر محققان تاریخ ادبیات، رومانسیسم را به مثبت و منفی و یا فعال و غیر فعال تقسیم میکنند. طوریکه قبلاً متذکر شدیم جهان بینی نویسندگان باستانی مملو از تضادهاست، که اینگونه تضادهای غامض و تغییرات آن اکثر در روش ابداعی منعکس شده است. عامل متریقی جهان بینی آنان بران شده، که ایشان از روشهای ابداعی متریقی پشتیبانی کنند، در حالیکه عوامل منحط و قهقرایی کار آنان را به انواع گوناگون محدودیت ها کشانیده و متضرر ساخته است.

این واقعیت را هم باید اظهار داشت که روش ابداعی استقلال نسبی خود را نیز حایز است و در خلال ابداعات ادبی تأثیر کاملاً مثبتی وارد می آورد که این موضوع در سه جهه میتواند ارائه شود:

۱- آسان که تذکر دادیم، آثار ادبی در خلال علایم هنری، زندگی را انعکاس میدهد نه با اتکاب به بیان خیالی و مجرد؛ و همیشه به تلخیص هنری ابداعی زندگی میپردازد و بعلاوه فکر و احساس نویسنده را با رموز هنری انگیزنده و زیبا تحقق می بخشد؛ این عمل تنها یادداشتن جهان بینی متریقی، در حالیکه فاقد روش ابداعی متریقی باشد، امکان پذیر نمیگردد. زندگی و فکر دو شرط بزرگ ابداعات ادبیست؛ مگر حل این شروط دال بران نیست که حتماً آثار خوب ادبی ایجاد شود. ایجاد یک اثر ادبی ممتاز گذشته از اینکه متکی به زندگی و فکر است، بعلاوه بوسیله روش ابداعی که نویسنده بر آن تسلط دارد و هم تکنیک های هنری وی تثبیت میگردد.

۲- روش ابداعی نه تنها کمک میکند که نویسنده در خلال علایم هنری، معرفت خود را درباره زندگی ارائه نماید، بعلاوه زمانیکه نویسنده بطور جدی از روش خاصی پشتیبانی میکند، بران میشود که وی هر چه بیشتر در عملیه های زندگی شامل باشد، و در خلال

کلاسیسیم که مبین آیدیاالهای قوانین سیاسی همان دوره خودش بود میباشد. رومانیتسم همه گونه مقررات کلاسیسیم را در هم ریخت و علم استقلال و تجدید موضوع و شکل آثار ادبی را برافراشت. شیلر، گوئته، هوگو نمایندگان ممتاز اینگونه رومانیتسم بشمار می آیند. جنبش ریالیسم در اواسط قرن نوزدهم، بعد از جریان رومانیتسم ظهور کرد درینوقت جامعه آنروز اروپا بسوی انحطاط میرفت و تضادهای جامعه آنروز هرچه بیشتر شدید و روشن میشد درین وقت عدّه از نویسندگان که مفکوره های دیموکراسی و اصلاح طلبی داشتند، با استفاده از اسلحه ریالیسم به بر ملا ساختن و انتقاد از تضادهای عمیق و نابسامانی های جامعه آنروز متشبث شدند و از رومانیتسم آنوقت که محض به ترسیم زیبایی میپرداخت مذمت کردند، که بوقت کمی بحیث تمایل بزرگ ادبی شکل پذیرفت.

ازینکه اینگونه ریالیسم هرچه بیشتر به انتقاد و آشکار ساختن خصوصیت های جامعه میپرداخت. بنابراین به ریالیسم انتقادی مسمی شد. اینگونه ریالیسم صبغه مترقی معین و سوبه عالی هنری را حایز بود. بالزاک، چارلز دیکنز (1812-187) لئون تولستوی (1828-1910) و غیره با آثار ممتاز خود، افراد شاخص این جریانند.

در تاریخ ادبیات دری، تحقیق و بررسی جریانهای ادبی، دقت نظر و رقت فکر میخواهد، تا با مطالعه عمیق از آغاز ادب دری، ایجاد اینگونه روشهای ابداعی را که مشبوع از خصوصیت های خود زبان دری میباشد. توضیح کنیم.

تطبیق «روشهای ابداعی» اروپا در ادب دری، بدون در نظر داشتن مشخصات آثار ادبی این زبان، کاریست دور از صواب و مغایر از پرنسپ های نظریات ادبی. چه، طوریکه قبلاً یادآور شدیم ایجاد و ابداع «مکتبهای ادبی» و یا

۱ - رومانیتسم در اواخر قرن هژده در انگلستان بوجود آمد، بعداً به آلمان منتشر شد و در سال ۱۸۳۰ وارد فرانسه، اسپانیا و روسیه گردید و تا اواخر قرن هژده و اوایل قرن نوزده، متسلط بر ادبیات اروپا بود. مگر تکامل رومانیتسم مرهون محیط فرانسه است، و معروفست که شاعر انگلیسی موسوم به ویلیام وردز ورث (W. Words Worth - 1770 - 1850) نخستین بمارا شاعر رومانیتیکی ایجاد کرد.

مندمج دو نوع گرایش اساسی یکی «تمثیل واقعیت» و دیگری «ارائه تخیل» بوده است، این حقیقت در خلال حکایات باستانی به نهج کاملاً واضحی ارائه شده است. بعداً با تکامل زمان و تکامل فرهنگ و هنر، در خلال عملیه های ابداعات ادبی، دو نوع روش اساسی ابداعی یعنی ریالیسم و رومانتیسم شکل یافت. مگر تسمیه این دو روش در اواخر قرن هژده و اوایل قرن نوزده یکی بعد دیگر در اروپا بعمل آمد.

در اروپا، ادبیات یونان باستان، بخصوص تراژیدی، کومیدی و حماسه، اساس ثابت این نوع روش ابداعی قرار گرفت. چنانکه کومیدی ارسطوفان، روحیه عمیق ریالیستیک و حماسه هومر، صبغه شدید رومانتیکی و ستایش قهرمانان را بخود نهفته دارد. درین وقت عصر حکایات تاهنوز بکلی سپری نشده بود، ریالیسم و رومانتیسم گاهگاهی باهم می آمیخت.

با گذشت قرون وسطی و رسیدن دوره احیای مجدد ادبیات و هنر، ریالیسم و رومانتیسم هر چه بیشتر متکامل شد، «کومیدی الهی» اثر دانته و «جنگک و صلح» اثر تولستوی و شاهکارهای دیگری چون تراژیدی های شکسپیر و غیره ایجاد گردید. ریالیسم و رومانتیسم دوره رنسانس مفکوره ها و آرزو های نیروهای نوبه ظهور رسیده را منعکس میکرد، و بحیث ادبیات گروه مترقی نو ظهور هر چند آثار ریالیستیک بشمار می آمد، با آنها مملو از تخیلات و عواطف آتشینی بود و رنگی از خوشبینی را با خود داشت. مگر نویسندگان ممتاز مانند شکسپیر و سنت بوو، بیشتر از دیگران اکثر ریالیسم و رومانتیسم را باهم آمیخته اند.

در اواخر قرن هژده و اوایل قرن نوزده، رومانتیسم و ریالیسم، تمایل و جنبش ادبی تمام قاره اروپا شد. جنبش رومانتیسم در اواخر قرن هژده و اوایل قرن نوزده بوجود آمد و این انعکاس جنبش آزادی فکری، تقبیح و تردید فؤد الیسم در ادبیات بود. رومانتیسم همه قوانین و عنعنات کهنه رانفی میکند و طرفدار آزادی فردی و تحقق یافتن آیدیه های اجتماعی مانند «آزادی، مساوات و اتحاد دوستی» است. رومانتیسم در واقع نفی

وی بوجود مانند آنان ضرورت مبرم احساس میشد، تا آیدیا لهای ملیت خواهی و وطنپرستی را بعمل اندر سازند. روش ابداعی ایندو کاملاً وجوه رومانتیکی دارد. طوریکه در بالا باختصار بیان شد، ملاحظه میکنیم که بحیث روش ارا ثه زندگی اجتماعی و منعکس ساختن واقعیت ها در ابداعات ادبی، چه در محیط خود ما و چه در محیط های دیگر، از آغاز ادبیات دونوع جریان و یا گرایش ادبی یعنی ریالیسم و رومانتیسم وجود داشته است؛ هر چند پیش از قرن هژده این دو اصطلاح تا هنوز ایجاد نشده بود. در اواخر قرن هژده در لحظاتی که جهش ادبیات و هنر رومانتیکی اوج میگرفت و تا هنوز بالزاک، دکنز و نویسندگان ریالیست دیگر پابصر صه زندگی نگذاشته بودند، شیلر آلمانی (1805-1859) در بین سالهای (1794-1796) بانگاشتن اثر «شعر ساده و شعر عاطفه یی»، نخستین بار بطور نسبتاً منظم و سیستماتیک، این دو گرایش عمده را، در روش ابداعات ادبی، از دوره های باستان تا آندم تلخیص کرد. وی با بکار بردن «شعر ساده» و «شعر عاطفه یی» خصوصیت این دو گرایش مختلف را ایضاح کرد. او تصور میکند که خصوصیت شعر ساده درینست «که تا حد امکان باز یبایی تمام واقعیت را تقلید میکند»؛ و شعر عاطفه یی؛ «واقعیت را بدرجه تخیل میرساند» و یا «تخیل را انعکاس میدهد و توضیح میکند»؛ نخستین، چیزی که به انسان ابلاغ میکند، «طبیعت، واقعیت محسوس و حقایق زنده» است؛ در حالیکه دومین، «اندیشه و تفکر» و «تأثیراتی را که اشیا بر شاعر ایجاد کرده است» تبلیغ مینماید. بنابراین «شیلر» از خلال تلخیص تجارب تاریخی خود چنین استنتاج بعمل آورد: شکل ارائه کردن شعر ساده «تقلید واقعیت» است و از شعر عاطفه یی «ارائه تخیل». «شعر ساده» که شیلر از آن نام میبرد، همانا ادبیات ریالیستی و «شعر عاطفه یی» همانا ادبیات رومانتیکی است. ازینکه در دوره شیلر، ادبیات ریالیستی معاصر صورت هستی بخود نگرفته بود، بنابراین اساس تلخیص وی مهمتر از همه همانا شاعران باستانی بود.

در دوره پلنسکی «1811-1848» شعر و ادب ریالیستی معاصر به مرحله شگوفان

« روشهای ابداعی » تحت یکسلسله شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع صورت گرفته و نضج یافته است و هرگز عمل اتفاقی و تفتنی نبوده است. بنابراین چگونه میتوان ریالیسم و رومانتیسم را که زاده شرایط قرون هژده و نوزده اروپا بشمار می آید و کاملاً متأثر از شرایط گوناگون جامعه آنروز است و روی ضرورت آن دوره بوجود آمده، بدون اعتنا بجزئیات ادبی دوره های سامانی غزنوی، سلجوقی و غیره که منبث از شرایط متباین دیگر است، تطبیق کرد. زیرا از یک طرف که « روشهای ابداعی » صبغه جهانی دارد و وجوه مشابه زیادی را در روشهای ابداعی ممالک مختلف میتوان سراغ کرد، از طرف دیگر صبغه محیطی این روشها را هرگز نمیتوان دور از نظر داشت. بطور مثال، ریالیسم اروپا غیر از آن چیز است که ریالیسم شرق است، موضوع بیان درین دور ریالیسم، امکان دارد در کلیات همسان باشد، مگر در جزئیات بکلی بشکل متباین تبارز میکند. باز در ریالیسم شرق مشخصات ریالیسم در ادبیات دری، هندی، ترکی، جاپانی و چینی متفاوت و مغایر یکدیگر است. گذشته از همه در هر یک از این ادبیات ها، سبکهای گوناگونی که نویسندگان ریالیست بکار میبرند، کاملاً یک چیز نیست. بنابراین مشهود میگردد که روشهای ابداعی در تاریخ ادبیات، هر یک در محیط خاص خود ایجاد میشود و تکامل میکند. (۱)

ریالیسم و رومانتیسم، از آغاز ادب دری، وجود داشته و بدوره های بعدی به تکامل پرارجی نایل آمده است. ادب دوره های سامانی و غزنوی وجوه ریالیستیک و رمانتیک هر دو را احتوا میکند. رودکی، شهید، دقیقی، عنصری، فرخی، عسجدی و دیگران هر چه گفته اند، بیان واقعیت های آنروز جامعه شان است و صبغه ریالیستیک آن تبارز دارد. سخنان رابعه در واقع ارائه تخیلات و آیدیا لهای است که تا هنوز تحقیق نیافته است؛ بیان بیشتر فردوسی، وصف قهرمانان باستانی است که در شرایط دوره زندگی

۱- درباره مشخصات ریالیسم در ادبیات شرق، شامل ادبیات دری، ترکی، جاپانی و چینی، که بحث مفصل و داچسپی است، در آینده در صورت مساعدت وقت، با خوانندگان این مجله سخن خواهیم گفت.

ریالیسم و ناتورالیسم:

آثار ریالیستی با اساس مشخصه مشترک قواعد منعکس ساختن زندگی و تشکل علایم، مطابق خصوصیت اصلی زندگی، بار دیگر آنرا ارائه میکند و با اساس چهره واقعی تاریخ، آنرا ترسیم مینماید. همه آثار ریالیستی با مهم دانستن ترسیم آفاقی مناظر زیبای زندگی، اشیای که در زندگی وجود دارد و یا با اساس قوانین زندگی امکان وجود آن باشد، تمثیل میکند، و اتکاب به آمال و آرزوهای نویسنده ندارد. البته نویسندگان ریالیست آرمانهای اجتماعی مختص بخود را دارند. آنان حین انعکاس دادن زندگی، گرایش سیاسی و عواطف محبت و نفرت را حایزند؛ مگر همه این خصوصیتها در خلال ترسیم واقعی محسوس و تاریخی زندگی و با اساس قواعد ذاتی زندگی و چهرهها بصورت طبیعی ابراز میشود. آنان البته روی این عوامل هرگز چهره واقعی زندگی را تغییر نمیدهند. اینگونه صبغه تاریخی و آفاقی ترسیم زندگی، یکی از مشخصات عمده روش ابداعی ریالیسم محسوب میشود.

یکی از نویسندگان ممتاز همدره بالزاک، زمانی که درباره داستانهای اوسخن میگوید، چنین اشاره میکند: «اودر (کمپدی انسانی) خود بخشی از تاریخ حقیقی جامعه فرانسه را بما عرضه میکند... از میان این تاریخ، حتی در باب موضوعات دقیق اقتصادی، حقایقی که من آموخته ام، بیشتر از آنست که متخصصان تاریخ، اقتصاد و احصائیه آنزمان در آثار خود مجموعاً بیان داشته اند.» بالزاک از آن سبب چنین نتایج مثبت را کسب کرد، که بصورت محسوس و تاریخی «واقعیت های عریان» زندگی را ارائه نمود. بعلت جستجوی همین «واقعیت های عریان» بوده که نویسندگان ریالیست با مجاهدت تمام به مشاهده و شرح آفاقی زندگی پرداخته و بعلاوه اهمیت زیادی به ترسیم دقیق حقایق قایل شده اند.

صبغه تاریخی و آفاقی بیان نویسنده ریالیست بر زندگی، هرگز به آن مفهوم نیست که نویسنده پدیده های زندگی را بصورت مختصر و میکانیکی نقل و ثبت کند.

خود نایل شد. درین وقت نه تنها اروپای غربی، قهرمانان میدان ادبیات چون گوته، بالزاک، دکنز و غیره را در آغوش داشت، بلکه در روسیه از زمان پوشکین «1799-1837» تا گوگول «1809-1852» تجارب ارزنده درین قسمت پایه گذاری شد. «۱» این شرایط مساعدی را در تلخیص کامل و تمام تجارب ادبی - به پلنسکی تهیه کرد. پلنسکی در آثار خود از «شعرتخیلی» و «شعرواقعی» نام میبرد، که این در واقع همانا عبارت از ادبیات رومانتیکی و ریالیستی است.

اگر شیلر بود و یا پلنسکی، تمام آنان از خلال مراحل تکامل ادبیات و باساس تجارب واقعی ابداعات ادبی، وجود این دو نوع گرایش اساسی را در روش ابداعات نویسندگان بیان داشته اند. بارسیدن گورکی «1868 - 1936» ادبیات جهان مستغنی از تجارب ارزنده شد. گورکی خودش، روشهای ابداعی رومانتیسم و ریالیسم را تحقق بخشید و بعد از انقلاب اکتوبر، تجارب بیشتری اندوخت. بزرگترین خصوصیت گورکی در آنست که وی از یک طرف نتایج درخشان و پرارزش ادبیات رومانتیکی و ریالیستی باستانی را بیان داشته و از طرف دیگر نقایص و نواقص جبران ناپذیر این روشها را نیز ارائه نموده است. گذشته از آن گورکی خواهان آنست که نویسندگان زمان جدید، در تحت شرایط تاریخی نو، با نظر انتقادی عوامل مثبت رومانتیسم و ریالیسم را بکار برند و ادبیات تازه ای ایجاد کنند. چنانکه وی روش ابداعی جدیدی بنام «ریالیسم انتقادی» را اساس گذاشت. گورکی بانبوغ خارق العاده خود، ادبیات روسیه را به جریانهای نوی رهنمون گردید و بنیانگذار «ریالیسم اجتماعی» نیز شناخته شد و این روش ابداعی بعد از سال «1924» بطور منسجم مورد استفاده قرار گرفت. «۲»

۱- گوگول نخستین داستان نویس ریالیست روسیه که بانوشتن داستان کوتاهی بنام «شنل» شهرت یافت.

اثر مشهور و بزرگ دیگر وی «نفوس مرده» است، که تا تمام ماند.

۲- روش ابداعی «ریالیسم اجتماعی» ساخته و پرداخته شرایط اوایل قرن بیست روسیه است، و بیشتر روی ضرورت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنروز روسیه ایجاد شد و در محیط های دیگر رواجی ندارد.

بنیانگذار ناتورالیسم بشمار می آید، نیز ازین امر استثنایی ندارد. «روش تجربی» که ناتورالیسم از آن پشتیبانی میکند، هرگز قابل ادراک نیست؛ کردار، بیان، ذوق و فکر و عادت انسان در جامعه، ناممکن است که در خلال فزیولوژی و باکتریولوژی بطور کامل شرح شود، زیرا همه اینها بوسیله روابط اجتماعی تثبیت میگردد.

ناتورالیسم انسانرا از نگاه بیولوژی مطالعه میکند و ویرا تنها از نظر غرایز حیوانی، و منحیث حیوانی که تابع محیط و وراثت است، ارزیابی مینماید. تحت خامه نویسنده ناتورالیست، تفاوتی نمی کند که چگونه شخصی قرار دارد، هر کسی باشد همانا ساده و معمولی، پست و زشت و مملو از خواص حیوانی و دیوانگی است. از نگاه آنان در زندگی هیچگونه مظاهر زیبا و مثبت و فعال وجود ندارد و اینگونه نظر مشوق آنست که انسانها ایمان و تخیل عالی بر زندگی را نادیده انگارند. که ازین نگاه ها ناتورالیسم در واقع ضد ریالیسم است.

ناتورالیسم در آغاز ایجاد خود؛ یعنی نیمه آخر قرن نوزده، صبغه مثبت آن بیشتر بود و آثار باارزشی نیز درین قسمت ابداع شد. مانند «آسو موار» از امیل زولا و «بول دوسویف» اثر گی دوموپاسان. مگر رفته رفته ناتورالیسم حربه بمقابل ریالیسم گردید و بعضی از سیاست ها آنرا بخدمت خود گماشتند و از آن پشتیبانی نمودند، و این بدان شد که ریالیسم نیز بجای خود آرام ننشیند و به اشکال ریالیسم انتقادی، ریالیسم اجتماعی و غیره تبارز کند.

مشخصات روش ابداعی ناتورالیسم را میتوان چنین تلخیص کرد:

- ۱- مهم نبودن فرد و اجتماع بشری. در نظر نویسندگان ناتورالیست هر چه هست وراثت و تأثیر قوانین علمی و طبیعی است.
- ۲- نویسندگان ناتورالیست جزئی ترین حرکات قهرمانان را تمثیل میکنند و مخالف تلخیص و صیقل نمودن مواد تمثیلی اند.
- ۳- وضع جسمانی و حیوانی بعنوان اصل و مظاهر روحی بحیث نتیجه آن شناخته

بلکه باید مندمج از حقایق عالی هنری باشد. اگر پدیده های زندگی بدون انتخاب بصورت میکانیکی نگاشته آید، گذشته از اینکه چیز را آشکار نمیکند، بلکه رنگ واقعیتی بودن آن نیز زایل میشود؛ و حتی بعضاً مشخصه اصلی زندگی را نیز تحریف میکند و بفرنج میسازد. بنابراین خصوصیتی که در بالا از ریالیسم یاد کردیم، با خصوصیت اساسی دیگری همیشه منضم است و آن عبارتست از اینکه با تلخیص وسیع زندگی، باید چهره های نمونه ایجاد کند؛ اگر این امر را در آثار تشریحی در نظر بگیریم، بدان معناست که از خلال محیط های نمونه، چهره های نمونه باید استخراج کرد.

اساسهای ناتورالیسم در ظاهر باریالیسم یکسان به نظر می آید، مگر در واقع نکته مقابل ریالیسم است. تیوریسن های ناتورالیسم بطور نمونه، روش تجربی علوم طبیعی را در تفسیر زندگی بکار میبرند. آنان ازین پشتیبانی میکنند که همه پدیده های اجتماعی را از نگاه بیولوژی باید شرح کرد، بنابراین حین منعکس ساختن مظاهر زندگی آنان تأکید مینمایند که «ثبت آفاقی خالص» بعمل آید، و تلخیص و صیقل نمودن را رد میکند و هم آنان مخالف ارزیابی ذهنی پدیده ها اند. تیوریهای ناتورالیسم معتقد است که «محیط اجتماعی ثمر ایجاد گروهی از انسانهای زنده است، و این انسانان زنده بطور مطلق از قواعد فیزیک و کیمیا متابعت میکنند؛ این قواعد بر اجسام بیروح مانند اجسام ذیروح تأثیر مشابه دارد.»

بنابراین آنان مقابل ابداعات نویسنده میگویند که «نباید در آن مبالغه و تأکید باشد، تنها با حقیقت سروکار باید داشت، چیزیکه قابل ستایش است؛ حقیقت است. نویسنده معلم اخلاق نیست، بلکه متخصص علم تشریح است؛ وی همینکه بگوید در وجود انسانی چه چیزی کشف نموده، وظیفه اش انجام یافته است.» مگر نویسنده «آفاقی محض» وجود ندارد، بلکه هرگونه نویسنده ای با داشتن گرایش معین فکری و عواطف محبت و نفرت زندگی را منعکس میسازد. امیل زولا (1802-1840) که

ادبیات عامیانه دری

نگارنده : عبدالقیوم «قویم»

چند سخن بعنوان مقدمه :

ادبیات عامیانه (Folklore) ، يك اصطلاح عمومی است که اساطیر ، افسانه ها ، امثال و حکم ، رقص ، جادوگری ، خرافات ، ترانه ها ، سرودها ، شوخی ها و رسوم و رواجهایی را که از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد ؛ در بر می گیرد. مطالعه و تحقیق فلکلور ، تمایلات ذوقهای متنوع را بخود معطوف داشته است ؛ چنانکه در نتیجه تحقیقات پیگیر «سرادوار دتایلر» (۱) (۱۸۳۲-۱۹۱۷م) و «سرجیمز جورج فریزر» (۲) (۱۸۵۴-۱۹۴۱م) ، انتروپولوژیست های انگلیسی و در نتیجه کاشفهای متداوم «جان اوبری» (۳) (۱۶۸۷م) و «توماس» (۴) (۱۸۴۶م) ، باستانشناسان آن مملکت ، این حقیقت آشکار شده است . (۵)

هر یکی از این موضوعات بالا یعنی اساطیر ، افسانه ها ، ضرب المثل ها و غیره که بنام ادبیات عامیانه و گاهی هم به اسم ادبیات شفاهی موسوم است ؛ اهمیت فوق العاده دارد. بقول «برونسلا ملینوفسکی» (۱۸۸۴-۱۹۴۲م) ، دانستن مفکوره ها ، عقاید ، عنعنات و فعالیت های اجتماعی مردم يك سرزمین علاوه بر سایر پدیده های ثقافی ،

- 1- Sir Adward Tylor.
- 2- Sir James Geog Frazer.
- 3- John Aubrey.
- 4- W.J.Thoms

۵- انسکلوپید یا بریتانیکا .

میشود، که درینجا به اهمیت وراثت و محیط طبیعی تأکید به عمل می آید.

۴- در آثار نویسندگان ناتورالیست، زبان محاوره بیشتر بکار میرود، تا بدین وسیله نزدیکی با طبیعت هرچه بیشتر حفظ گردد.

بطور خلاصه ناتورالیسم به روابط اجتماعی افراد معتقد نیست و نیز اینرا هم قبول نمیکند که جامعه با شرایط گوناگون آن، عامل بوجود آمدن قهرمانان است بلکه وراثت را عامل نخستین می شمارد.

۱۱
E



ای شعله عشق خانما نسوز
ای جانده و جان ستان و جانسوز
هر چند که حاصل تو غم بود
قربان غمت شوم که کم بود

- ۱- خلقت و انفصال زمین و آسمان .
 - ۲- خصوصیات تاریخ طبیعت .
 - ۳- مبدا تمدن انسانی .
 - ۴- منشاء عرف و عادات مذهبی (نیایش موجودات مقدس) و اجتماعی :
- حسن کنجکاوی آدمی در دوره های اساطیری و تاریخی متمایل بوده است تا به کنه جهان واصل و ماهیت اشیای ماحول خویش و قوف پیدا کند. روی همین اصل مطالعه و تدوین ادبیات عامیانه ملل مختلف ، یکی از اساسی ترین کارهای ملی و ثقافی بشمار میرود. آنانیکه در فکر تدوین و تفسیر عناصر این ادبیات میشوند گویا کارشان ممثل احیایی از گذشته فراموش شده است .
- در سابق در بعضی از کشور های جهان جمع کنندگان ادبیات عامیانه ، تألیفات نامنظمی را که ارزش اندک داشت بوجود آوردند . آنها با جمع آوری و تدوین برخی از مواد . درین ساحه مصدر خدمتی شدند . توجه آنان بیشتر به ساحه جغرافیایی مبدون گردیده است . چنانکه جمع کنندگان افسانه ها ، ضرب المثل ها و سرودهای یونان باستانی و سیلون رامیتوان بحیث مثال در اینجایادآور شد .
- ویلم آر . بیسکم (William R. Bascom) ، در کتاب «وظایف چارگانه فلکلور» (Four Functions of Folklore) بر آنست که باید مطالعات و تحقیقات درباره ادبیات عامیانه بدین طرز صورت گیرد:
- ۱- اشکال متنوع ادبیات عامیانه ، چه وقت و در کجا گفته شده است ؟
 - ۲- کدام اشخاص آنها را بوجود آورده است ؟
 - ۳- بکار بردن طرحهای دراماتیک ، از قبیل حرکات گوناگون ، تغییر قیافه ، تمثیل و عکس العمل های روحی و غیره توسط راوی .
 - ۴- سهم شنوگان در تشویق ، پذیرش و انتقاد سراینندگان و بازیگران قهرمانان داستانی .

در متن آثار فلکلوریک آنها مندرج است .

از میان موضوعات فلکلوری، اساطیر نزد بعضی از دانشمندان غربی، چندان ارجحی نداشته است؛ چنانکه «فریدریک ماکس میولر» (۱) (۱۸۲۳-۱۹۰۰ م) که نظریات وی هواخواهانی داشته، اساطیر را به مثابه مرضی پنداشته که جسم نیرومند لسان را پیوسته اذیت داده است. (۲) او بدین عقیده است که یک انسان غیر عادی در یک داستان عامیانه، جزیک قهرمان موهومی چیزی نیست. بدان سبب از مطالعه اینگونه داستانها جزیک چیز موهوم به ذهن خطور نمی کند. بقول اندریولنگ (۱۸۴۴-۱۹۱۲ م)، قهرمانان در داستانهای عامیانه و اساطیری، سمبولها و رمزهایی بوده اند که در بین مردم کشورهای مختلف اعمال گوناگون را دست اجرا سپرده اند. گروه دیگر بر آنند که اساطیر مثالهای فانتزی میباشند که در جریان تاریخ بوجود آمده اند.

«سراد و اردتایلر» و «اندریولنگ» معتقد اند که داستانهای اساطیری در جریان تاریخ از یک نسل به نسل دیگر بدون تغییر انتقال میکرد تا وقتی که مفهوم و مدلول اصلی آنها از خاطر فراموش گردید و از حیات روزانه مردم مجزاشد و نسلهای بعدی از قبول و اعتقاد به آن امتناع ورزیدند.

برخی از نویسندگان، فلکلور را از مظاهر طبیعت می انگارند؛ زیرا قهرمانان حکایتهای عامیانه، نقش آفتاب، مهتاب، باران، ابر، زلزله، آتشفشان، توفان، باد و غیره را تمثیل میکنند.

بروی هم، فلکلوریک نوع طرز تفکر راجع به تفسیر جهان عینی و حوادث گوناگون عینی و ذهنی است؛ چنانکه ادبیات عامیانه به گفته «کپلینگ» متضمن تفسیر موضوعات و اهداف ذیل است:

باشد. مادرا اینجا از طبقه بندی «سر جورج لارنس گومی»
(۱) (۱۸۵۳-۱۹۱۶ م) که در کتاب (Handbook of Folklore)
وی آمده است، یاد آور شویم:

۱- قصه‌های عنعنی (Traditional narratives): حکایت‌های عامیانه، داستانهای
قهرمانی، ترانه‌ها، سرودها و غیره.

۲- رواج‌های عنعنی (Traditional Customs): عرف و عادات محلی، مراسم
وبازی‌ها و فستیوال‌ها.

۳- عقاید و خرافات (Superstitions and beliefs): جادوگری نجوم، تمرینات
خرافی و موهومی.

۴- خطابه‌های عامیانه (Folk Speech): خطابه‌های متداول عامیانه فهرست‌اسامی،
صرب‌نم‌ها، اشعار هجائی و معنی‌های عوام‌پسند.

سر جیمز جورج فریزر در کتاب «شاخه طلایی» (The golden bough) و سایر
آثارش، ابتداءات ادبی جذاب عامیانه را گردآوری نموده و طبقه بندی وی انواع تحلیل
و تفسیری را که نسل‌های بعدی از آن استقبال شایانی کرده‌اند، احتوا کرده است. این
دانشمند، در دوازده جلد کتاب «شاخه طلایی» موضوعات آنی را که عبارت از:
«هنر جادویی»، «تسلسل پادشاهان»، «تحریمات و مخاطرات روحی»، «ارواح متواری»،
«دکاتورین ارواح داخلی»، «فدیه» و غیره میباشند، تشریح کرده است. او در بخش
آخری (جلدهای دهم و یازدهم) به موضوعات اختصاصی اروپایی تماس گرفته و ضمناً
راجع به عرف و عادات بومی‌های آسترالیا، بورنیو، روم و اسکموها مطالبی
نگاشته است.

روی هم‌رفته صرف نظر از مبداء و منشاء ادبیات‌های عامیانه، این پدیده‌های اجتماعی
مثل، باهم شباهت نزدیک می‌رسانند و بطور عموم گفتار، کردار و پندار انسان‌های را

۵- آشنایی مردم با اصطلاحات فلکلوری .

۶- طرز تفکر مردم درباره این اصطلاحات .

این نوع طرز تحقیق ، ادبیات عامیانه را از دایره فراموش و زوال بیرون میکشد . امروز با پیشرفت معاییر تحقیقاتی در ساحه های گوناگون ثقافتی و مدنی ، تحقیق فلکلور به مرحله تازه یی رسیده است و بنسبسی از این روش جدید چنین معلوم میشود که محققان پیشین از راه تحقیق واقعی تا اندازه یی بدور افتاده بودند .

فلکلور بحیث يك پدیده ملی و ثقافتی در جوار ادبیات کتبی ملل جای دارد و در جمع آوری و تدوین آن توجه خاصی مبذول می گردد . امروز در بسیاری از ممالک جهان ، انجمن های تحقیقاتی موجود است که پیوسته در این زمینه کار میکنند ؛ از آن جمله انجمن فلکلوری لندن (سال تأسیس ۱۸۷۰ م) و انجمن امریکایی (سال تأسیس ۱۸۸۸ م) را میتوان بعنوان شاهد یاد کرد .

انجمن تحقیقات فلکلوریک لندن مجله یی بنام (The Folklore Journal) و يك سلسله نشرات دیگر جهت پخش نمودن موضوعات فلکلوری داشته است . در امریکا مجله یی بنام (The Journal of American Folklore) و بسیاری از نشرات دیگر موجود است که بکار اشاعه ادبیات عامیانه اشتغال دارد .

همینطور در آلمان ، جمهوریت های روسیه شوروی ، استرالیا ، سوئد ، ژاپن ، یونان ، آیرلند ، مکزیکو ، ممالک اسکاندوی و غیره سازمانهای تحقیقاتی فلکلوری موجود میباشد . آرشیف ها و موزیم های ادبیات عامیانه و هنرهای محلی در اکثر ممالک جهان سرگرم نگهداشت و احیای میراثهای ملی خویش میباشد و جای دارد این عمل نیک بطور روز افزون قوت گیرد .

طبقه بندی ادبیات عامیانه يك مسأله بسیار بغرنج است . محققان در این زمینه طرح ها و روشهای جداگانه یی دارند . ممکن است روش برخی از آنان از رهگذر عدم تشخیص اصطلاحات ثقافت های مختلف ، چندان مورد توجه قرار نگرفته

تاریخ تطور ادب دری ضامن تشخیص ارزشهای سخنان آنان و ذوق خوانندگان تاریخ ادبی این زبان شاهد تعریف عرایس زیبای کلام ایشان است.

ادبیات مکتوب دری در طول دوره‌های مختلف بصورت همه جانبه معرفی شده است، مگر تا کنون راجع به ادبیات شفاهی (عامیانه) دری که در ذات خود در شناسایی حساسات و عواطف، طرز زندگی، نحوهٔ بینش، امید و حرمان، خوشی و غم، معتقدات، رسوم و رواجها و صدها مسأله دیگر حیاتی و وطنداران ما نقش بسزای دارد، یا هیچ تدقیق و تحقیق صورت نگرفته و یا اگر صورت گرفته باشد، بسیار اندک است.

شاید بعضی از مجلات کشور بصورت جسته و گریخته برخی از دوبیتی‌ها را بدون تشریح و تفسیر بصورت گاه‌چین نشر کرده باشند و یا ممکن است به چاپ بعضی از داستان‌های عامیانه دری نظیر (سیاه موی و جلالی) در مجله‌ها، اقدام شده لیکن نظر به اهمیت این موضوع در این رشته بی‌از ادبیات، لازم است بیشتر کار شود. شکی نیست که جمع آوری و تدوین ادبیات عامیانه دری کار مشکل است، اما برای روشن ساختن این تفاوت ملی باید روزان و شبان کوشید و وجیهه ملی خویشتن را دست اجرا سپرد.

ادبیات عامیانه، نمودار هیجانات و تأثرات آدمی است. انسان همیشه از مشاهدهٔ زیباییها و زشتیها و بسیاری از مظاهر دیگر متأثر میشود یعنی گاهی از دیدن چیزهای خوب و پسندیده احساس مسرت می‌کند و زمانی از مشاهدهٔ چیزهای بد احساس غم می‌نماید و نتیجه این تأثیر را به نحوی تجسم میدهد. انسان برای اظهار هیجانات و احساسات درونی خویش پیوسته در فکر وسیله‌هایی بوده است. صورتگری، هیکل تراشی، رقص، آواز خوانی، موسیقی و ادبیات (شعرونثر) وسایلی بوده‌اند که تجسم و بیان احساسات درونی انسان‌ها، از روزگاران پیشین تا کنون به آنها ارتباط داشته است.

در اینجا مراد ما از ادبیات، تنها ادبیات مکتوب نیست، بلکه ادبیات مکتوب و غیر مکتوب (شفاهی) هر دو منظور نظر است و نمیتوان ادبیات غیر مکتوب را که در بعضی از جوامع تدوین و چاپ شده ولی در زبان دری هنوز فرصت این کار کمتر میسر گردیده

انعکاس می‌دهند. برای نشان دادن شباهت ادبیات های عامیانه ملل مختلف میتوان این ضرب المثل انگلیسی را (When you are in rome do as the romans do) که از حیث شباهت معنوی باین ضرب المثل دری (خواهی نشوی رسوا، همونگک جماعت باش) ، که در مملکت ما آنرا بسیار بکار میبرند، به قسم مثال متذکر شد. همچنان این ضرب المثل چینائی (کی ای تو خواه، بوننگک تنگک چون) (۱) با این ضرب المثل دری (بیک گل بهار نمی شه) ، از نگاه معنی همسان است و هر دو در یک مورد استعمال میشود. این نکته را ناگفته نباید گذاشت که بعضی از گروههای نژادی چنین می اندیشند که ایشان دارای مشخصات سایکولوژیک (روانی) هستند و بعضاً خودیشتن را میراث بیولوژیکی معینی می انگارند، ولی بیمورد نیست بگوییم که شاید آنان در فکرتنایش خویش نباشند، که بلکه خواسته باشند اظهار نمایند که طرز تفکر آنها موجب افتخار-آمیزی است که شبیه آنرا میتوان در رستخیز پدیده های فکری اقوام دیگر سراغ کرد این افتخار به صورت عموم به آدمی زادگان ارتباط دارد و میراثهای ذهنی مشترک بشمار میروند. در نتیجه باید اذعان نمود که ادبیات عامیانه از یک حیات ملی آید آلی منشأ گرفته و گوشه های از گذشته های مشترک ملت ها را تصویر می کند، بنابراین لازم است در تدوین و معرفی آنها از کمال سعی و اهتمام کار گرفت .

ارزش مطالعه ادبیات عامیانه دری :

بحث درباره ادبیات مکتوب دری عمر دراز دارد. درست از عهد پوشنگیان هرات که دوره آنها با ظاهر بن حسین آغاز گردید تا دوره معاصر اشعاری در انواع و موضوعات گوناگون از شاعران نامدار که هر کدام یکه تاز میدان شعر و شاعری اند، بدست داریم. شاعران مذکور در خم و پیچ کوچه های زمان و در مکان های مختلف، گوشه های گوناگون اوضاع جامعه خویش را به نهج پسندیده بی در قالب شعر ریختند.